



ورزش اردبیل

بلا ۷۹۰ زن ۱۳۹۵

سال سوم شماره ۲۴

شنبه ۲۸ اسفند ماه سال ۱۳۹۵

۱۹ جمادی الثانی ۱۴۲۸ - ۸ مارس ۲۰۱۷

قیمت

NOL3-NO34-18Mar-2017

تلاش برای انتقال تیم شهرداری
دروغ یا شوخی بی نمک!!!



نکاهی کوتاه به عملکرد
مربیان گشتی در سال ۹۵

بشنو و باور مکن

تدبیر و آرامش حلقه های
کمشده فوتبال اردبیل

یا مقلب قلوب و الابصار

رد صلاحیت مدیریتی صباغی
از عجایب چندگانه هیات فوتبال استان

باس اردبیل نماینده استان آذربایجان شرقی
در مسابقات جام حذفی ۶۷

ورزش و خبرنگاران جوان

درخشش کلبالیست ها

فضول باشی، سقوط بهراد
و ادره کل ورزش و جوانان

جام عقاب، هوشنگ چمن آرا
و روزهای خوش فوتبال اردبیل



اکباتان باشگاهی فعال در رشته فوتبال

توپ های ورزشی بتا

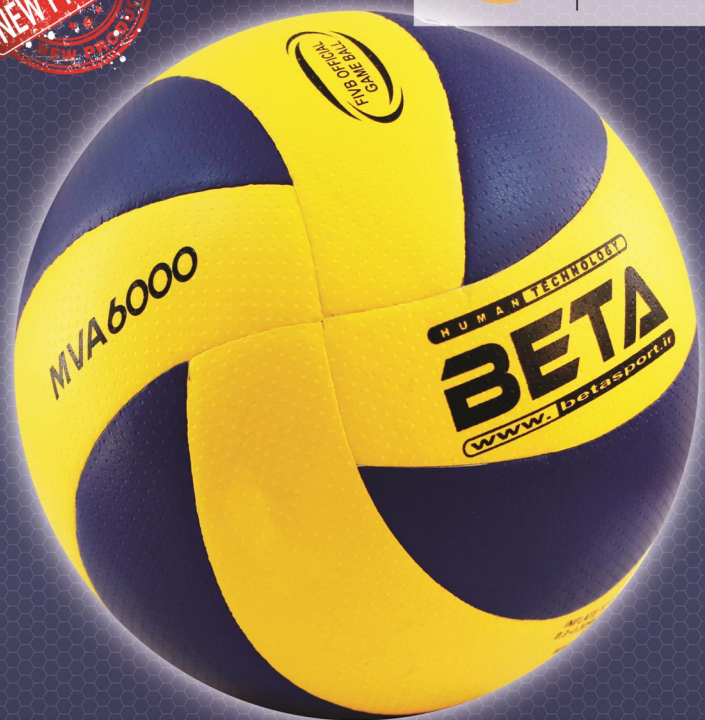
BETA SPORT BALLS

تولیدکننده بهترین توپ های
والیبال چرم با آخرین
استانداردهای روز دنیا

BETA[®]
BELIEVE POWER



BETA[®]
BELIEVE POWER



بزرگترین تولیدکننده انواع توپ های ورزشی
چرمی و لاستیکی استاندارد در ایران

www.betasport.ir

یا مقلب القلوب والابصار

آمد بهار ای دوستان منزل سوی بستان کنیم
گرد غریبان چمن خیزید تا جولان کنیم
امروز چون زنبورها بر آن شویم از گل به گل
تا در عسل خانه جهان شش گوشه آبادان کنیم
بشنو سماع آسمان خیزید ای دیوانگان
جانم فدای عاشقان امروز جان افشان کنیم

آمد بهاران عاشقان تا خاکدان بستان شود
آمد ندای آسمان تا مرغ جان پران شود
هم بحر پر گوهر شود، هم شوره چون کوثر شود
هم سنگ لعل کان شود، هم جسم جمله جان شود

ای آنکه گردونه دل ها در دستان قدرتمند
توست و ای آن که سال و سال ها را می گردانی
و لحظه ها را جایگزین یکدیگر می سازی، ای
تدبیر کننده روز و شب ، ما را به بهترین حالت
ها راهنمایی بفرما ای خدای مهربان و بی همتا.

خدایا همه توفیق ها از آن توست، دریغ آن که خرقه
تهی کنیم و از توفیقات تو بی بهره باشیم. خداوندا ما
را از زمره بهترین بندگانت قرار بده و توفیقات ما را
در این سال جدید بیش از پیش گردان.

لحظه ها می گذرند و جایگزین یکدیگر می شوند ،
آنچه وجود ما را در این میان ماهیت و هویت واقعی
می بخشد ، آن است که تا چه اندازه از زندگی مان،
رنگ معرفت و خدایی گرفته است .

زمستان رو به پایان و بهار در آغاز راه است. فصل
حیات دوباره طبیعت که با دگرگونی های عمیق و
تغییرات وسیع و پر رمز و دار در اوضاع و احوال آن
همراه است تا چند روز دیگر از راه می رسد. بهار با
کوله باری از شادابی و نشاط از راه می رسد و سبزی
و رویش دوباره حیات و زندگی سالم را یادآوری می
کند.

جاری شدن رودخانه ها و به پرواز درآمدن پرندگان
در چمنزارهای سرسبز، جملگی نشاط و شادابی
دوباره را نوید می دهند. طبیعت با لباس نو هماهنگ
با پوشش مردم برای تداوم زندگی را فریاد می زند.
از دیر باز و تا آنجا که تاریخ به یاد می آورد ، آغاز
بهار و سال نو یکی از اعیاد بزرگ ایرانیان است.
عیدی که با رسوم و سنن خاص و ماندگاری پیوند
خورده و گذر ایام و تند باد حوادث و فراز و نشیب
های تاریخ نتوانسته در تداوم آن خللی وارد سازد
و ایران با تکیه بر فرهنگ غنی و رسم و سنت
های پسندیده و پر معنی و مفهوم همچنان استوار و
پا بر جا موجودیت خود را در پهنه تاریخ و زمان
حفظ کرده است. نوروز یکی از اصیل ترین نمادهای
پایداری این سرزمین توحیدی است.

مردم کشور ما امسال هم مثل همیشه و مانند پار و
پیرار نوروز را جشن می گیرند و رسم و سنت آن را
از خانه تکانی گرفته تا پوشیدن لباس نو و دید و
بازدید و صلح رحم و به جای می آورند. اما در
نوروز مثل همه روزهای خدا به نوبه خود نوعی
هشدار و اعلام خطر مستتر است. هشدار در باره گذر
سریع زمان و پایان یافتن فرصت عمر و و نوروز
که معنی آغاز دوباره را نیز با خود دارد، فراتر از هر
چیز فرصت خوبی است برای محاسبه محاسبه در



و مستندات نباشد نمی تواند به طور کامل مورد
قبول قرار بگیرد .

فارغ از همه شعار ها و ادعا ها باید گفت که برای
فوتبال اردبیل سال ۹۵ سالی دردناک، فراموش
نشدنی و شرم آور بود. سقوط تیم شهرداری به دسته
سوم و به دنبال آن سقوط تیم فوتسال بهراد به لیگ
دسته دوم اوج بدبختی فوتبال اردبیل در سالی بود
که آخرین روزهای آن را پشت سر می گذاریم.

نمی دانم شاید فوتبال ما نفرین شده باشد و این امر
به دلیل نبود صداقت و یک رنگی و جولان دادن
افراد ناکارآمد و نالایق در اطراف آن و رواج زیر آب
زنی و حاکمیت روباه صفتی و نامردی و رشد تفکر
ارجحیت منافع شخصی بر منافع فوتبال باشد.

بلا تکلیفی فوتبال اردبیل از نظر مدیریت و ادامه دار
شدن اختلاف میان اداره کل ورزش و جوانان و هیات
فوتبال استان یکی دیگر از مشکلات این رشته
ورزشی است. در فوتبال اردبیل متأسفانه در سال
های اخیر زیاد حرف زده شده و تا دلمان بخواهد
وعده های بی اساس و بی پایه داده شده است. تا
بوده فقط ادعا بوده و بس. در عمل چیزی که بتواند
از ادعاهای انجام یافته دفاع کند چیزی مشاهده نمی
شود و این دردی است که در سایه تفکر حاکم بر
تن نزار و در حال موت نفوذ کرده است.

امیدواریم سال ۹۶ برای ورزش اردبیل سالی سرشار
از موفقیت و شادکامی باشد. امیدواریم در سال
جدید نفرت ها و کینه ها در ورزش اردبیل جای
خود را به محبت ها و دوستی ها بدهد. امیدواریم در
سال آینده فضای ورزش اردبیل را یک رنگی ،
صداقت، مهر و محبت، صمیمیت ، وحدت، هم دلی و
همراهی فرا بگیرد. امیدواریم سال جدید برای ورزش
اردبیل سالی به دور از هر گونه تنش و حاشیه باشد.

امید آن داریم که در سال ۹۶ بزرگ ترین اتفاق
ورزشی سال یعنی میزبانی رقابت های والیبال امید
های آسیا با سربلندی پشت سر گذاشته شود و
افتخار دیگری نصیب مردم قهرمان و میهمان نواز
استان گردد.

خدایا چنان کن سرانجام کار
تو خوشنود باشی و ما رستگار

باره روزهایی که گذشته و فرصتی که از دست رفته
است و پرداختن موشکافانه به خود، که سالی که
گذشت با خودمان چه کرده و در باره مسئولیت
هایی که در قبال اجتماع و هموعان داشته در کجا
به وظیفه خود به درستی عمل کرده و پیش وجدان
شرمنده نبوده ایم و کجا کوتاهی کرده و برای
سال ها و روزهای پیش رو چه باید انجام دهیم که
حداقل همه با هم گامی به جلو برداشته باشیم. اگر
چنین نباشد و چنین نکنیم ، نوروز هم مثل همه
روزها و لحظه های دیگری است که به بیهودگی و
بطالت و الکی خوش تلف شده و می گذرد.

ما اهالی ورزش و همه کسانی که در باره این امر
برای خود مسئولیتی قائلند خوب است که در آستانه
سال نو در کمال صدق و صفا دست های خود را به
سوی آسمان بلند کنیم و دعای نغز..... یا محول
الحول و الاحوال حول حالنا الی احسن الحال را از
صمیم دل با معبود خود زمزمه کنیم و از او بخواهیم
که به ما همت و اراده ای عنایت کند که به مدد آن
در سال نو و همزمان و همگام با تازه شدن طبیعت
در جهت تغییر و دگرگونی در احوال خود ، به سوی
بهترین حال ها یکسره در تلاش باشیم. تردید نکنیم
که حال ورزش بستگی به حال و روز خود ما دارد .
اگر واقعا آن طور که می گوئیم وضع و حال ورزش از
این که هست بهتر شود ، معایب آن کاسته و بر قوت
آن افزوده شود و نفس و کارکرد خود را به عنوان
یک پدیده و عامل موثر اجتماعی در عرصه های
مختلف بهتر از این ایفا کند قبل از نسخه پیچیدن
برای آن، باید فکری برای بهبود حال و افکار خود
نمائیم و قبل از این کار حرف زدن از بهتر شدن
وضع و شرایط ورزش و حرکت آن به سوی نقطه
ایده آل ، فقط شعاری دلنشین است که مثل همیشه
کمتر به آن عمل می شود و

سال ۹۵ با همه فراز و نشیب هایی که برای ورزش
اردبیل داشت به پایان رسید. موفقیت در ورزش و
ادعای پیشرفت و پسرفت آن باید بر اساس آمارها و
اطلاعات کافی و وافی صورت پذیرد. صرف این که
بگوییم سال ۹۵ سال موفق و یا سالی همراه با
شکست و سرافکنندگی بوده است اگر همراه با دلایل

فضول باشی، سقوط بهراد و اداره کل ورزش و جوانان

لحظاتی پس از قطعی شدن سقوط بهراد به دسته دوم، فضول باشی ورزش اردبیل تلفن کرد. پس از احوال پرسی گفت: حالا نتایج تیم بهراد و سقوط آزاد آن تیم می تواند بهانه خوبی به دست تو و برخی از کسانی که مثل تو فکر می کنند، بدهد و هرآنچه دوست دارید بنویسید و عقده های چند و چندین ساله را خالی کنید و از کسانی که به نحوی در ورزش رنجیده اید تسویه حساب نمایید.

گفتم: فضول باشی ولمان کن، تو هم حوصله داری، امسال تحقیر فوتبال و فوتسال اردبیل دمار از روزگارمان درآورد ولی چاره ای نیست باید بسازیم و بسوزیم و منتظر بمانیم که یک فردی که دستش به سرش می رسد در ورزش و فوتبال ما آفتابی بشه و دست فوتبال ما را بگیره و عاقلانه و صبورانه کاری بکنه کارستان. چشم به دستان با برکت یا بی برکت شورا و شهردار و استاندار و فرماندار و.. دوختن دردی از دردها را دوا نمی کند و نتیجه این کارها همان می شود که شد.

گفتم: تند نرو فوتسال که ربطی به شورا و استاندار ندارد، تیم مالک داشت و خوب و به موقع هزینه می کرد و مطالبات بازیکنان و کادر و عوامل و دست اندرکاران تیم سر موعده پرداخت می شد. اینجا بازیکنان اصلا اعتصاب نکردند و مربی و سرمربی تیم، دست اندرکاران آن را تهدید نکردند و تقریباً از نظر امور جاری همه چیز سر جای خودش بود، با این ویژگی ها بهراد چرا سقوط کرد؟

گفتم بعد از سقوط به اداره کل و مدیر کل سرسلامتی می دهند و او را مقصر اصلی در سقوط بهراد می دانند، همانطوری که متهم ردیف اول در نابودی شهرداری نیز قلمداد شد.

گفت خوب راست می گویند. آنها حتما بهتر از من و تو و دیگران خبر دارند. اگر اینجوری باشد شک نکن که امور جاری تیم توسط بهتاج انجام می پذیرفته، کادر فنی و عوامل اجرایی حتما با نظر برادران معاون ورزشی بهتاج صورت پذیرفته، عقد قرارداد و انتخاب بازیکنان و هر گونه رفت و آمد به توسط نادر پیران بوده است، هزینه های تیم را نیز حتما بهرام آقاخان معاون پشتیبانی پرداخت کرده، حسینی روابط عمومی اداره کل هم مدیر رسانه ای تیم بوده و خلاصه بهتاج در یک کلام هم مدیر عامل بوده و هم رئیس هیات مدیره. از اینها گذشته علی رغم مسؤلیت های دست اندرکاران اداره کل در تیم، آنها نانصافی کرده و اصلاً به تیم زمین تمرین و مسابقه نداده اند و در قبال هر جلسه تمرین و مسابقه پول کلانی درخواست کرده اند، اگر این اتفاق ها افتاده باشد اداره کل و همه عوامل آن در سقوط بهراد می توانند مقصر باشند و باید به سزای عمل خود برسند.

گفتم شب عیدی حال داری می خواهی فاز جدیدی از حملات را تحمل کنیم و بلند گو و کوتاه گوی اداره کل قلمداد شویم.

گفت به خدا نترس افراد مغرض و آنهایی که دل پری دارند دست بردار ورزش اردبیل نیستند و به هر بهانه ای نق خواهند زد و به تو و امثال تو که دنباله رو حق و حقیقتی اتهام خواهند زد تو کارت را بکن بگذار آنها نیز با رفتار غلط و چندیش آور خودشان حال بکنند.

به فضول باشی گفتم از این ها گذشته راستی بهراد چرا سقوط کرد؟

فضول باشی سری تکان داد و گفت: اگر بعضی چیز ها را بگویم به من می گویند به تو چه مربوطه، تیم مال خودمان بوده و خوب کردیم به تو سینه نه. شورا که نیست بگویم بیت المال حرام شد. شهردار نیست که بگویم باند بازی کرده، بخش خصوصیه و خودش هر طور صلاح دیده رفتار کرده ولی آنهایی که اداره کل را مقصر می دانند حتما از پشت پرده خبر دارند و اگر ادعای آنها درست باشد، باید یقه برادران، پیران و بهتاج را گرفت و علت این که حداقل در نیم فصل خوب یارگیری نکردند و نقاط ضعف را ترمیم نمودند و به تیم شوک وارد نکردند، را از آنها جویا شویم.

حمله نادر و سقوط بهراد

گویند نادر در جنگی که در میان او و لران بختیاری پیش آمد چنان بی مطالعه اقدام به حمله کرد که در نخستین مرحله به محاصره افتاد و شکستی سخت یافت، نادر از مهلکه گریخت و گرسنه و خسته به خانه ی پیرزنی دهقان رسید. ساعتی بخت و چون از خواب برآمد شکمگیره ای طلبید. پیرزن از آشی که پخته بود کاسه ای پیش او نهاد. نادر از فرط گرسنگی چمچه در آتش افکنده به دهان برد، از داغی آتش دهانش بسوخت و فریادش برآمد. پیرزن از مشاهده آن حال به خنده افتاد و گفت: باید آتش را قاشق به قاشق و از کناره کاسه می خوردی که خنک تر است. نادر هم مثل تو همه جا را گذاشت و بی مقدمه به قلب دشمن زد و خودش را گرفتار بلا کرد. اگر قدم به قدم پیش می رفت حالا همه چیز بر وفق مرادش بود. قضیه بهراد هم مثل حمله بی مهابای نادر بود. تا در اول فصل دو پیروزی به دست آمد از خود بی خود شده و همه چیز را تمام شده تلقی کردیم. برنامه تجلیل ترتیب دادیم. کسی نبود که از این آقایان کارشناس بپرسد در هفته سوم و چهارم چه تجلیلی؟ تجلیل و قدردانی در جای خود می تواند جواب بدهد. باید بپذیریم که همه چیز در جای خودش خوب است. دو پیروزی به دست آوردیم، از ظرفیت صعود به لیگ برتر حرف زدیم. توقع را در جامعه ورزش بالا بردیم و آنگاه غروری کاذب به بازیکنان تزریق کردیم و بعد از آن مصاحبه ها و ترتیب دادن برنامه های تجلیل و بهره برداری از دو سه پیروزی به نفع خود سم مهلکی بر پیکر تیم پاشیدیم و شکست ها آغاز شد و تا سقوط به دسته دوم پیش رفت.

بهراد در اول فصل هنوز چیزی نشده نیاز به تجلیل نداشت، وقتی نمی توانیم درست بیندیشیم و درست عمل نکنیم در قالب یک دوست و هوادار ضرباتی به تیم ما وارد می کنیم که نتیجه ای جز سقوط و فنا نمی تواند در بر داشته باشد.

دعوت از کاندیداهای هیات فوتبال استان

قرار بود تا آخر سال ۹۵ تکلیف هیات فوتبال استان را مشخص بکنند. می گفتند مجمع برگزار می شود و هیات فوتبال استان از بلا تکلیفی نجات پیدا می کند. ولی گویا همچنان باید منتظر ماند و بی صبرانه در انتظار تصمیم و توافق فدراسیون با اداره کل ورزش نشست. فوتبال ما نباید در کشاکش و بگو مگوهای قدرت طلبانه اسیر بشود. هیات فوتبال ارث پدری هیچ فرد و هیچ کسی نبوده و نیست و نخواهد بود. نباید برای ماندن و یا اجبار به رفتن این قدر پافشاری نمود. آنهایی که به پیروزی خود اطمینان دارند و می گویند که در پنج سال گذشته به اندازه پنجاه سال در پیشرفت فوتبال اردبیل مؤثر بوده اند نباید باکی داشته باشند. برای چند صباحی هم که شده، قصر حافظ را ترک نمایند تا انتخابات در محیطی آرام انجام پذیرد و آنها صاحب اکثریت بشوند و با جلال و جبروت دوباره به قصر برگردند. به هر حال به نظر می رسد تا یک طرف قضیه به اندازه یک وجب از مواضع خود عقب نشینی نکنند برای اصلاح امور فوتبال و برگزاری مجمع نباید خیلی امیدوار بود.

ولی انسان در هر حال نباید امید خود را از دست بدهد و ما همچنان برای برگزاری مجمع امیدواریم و بنابر این اعلام آمادگی می کنیم برای آگاهی جامعه فوتبال از برنامه ها و اقدامات مورد نظر کاندیداهای ریاست هیات فوتبال استان نسبت به انعکاس نقطه نظرات آنها و آشنایی علاقه مندان با سابقه ورزشی و مدیریتی آنها اقدام نماییم. کاندیدها برای هماهنگی بیشتر می توانند با شماره ۰۹۱۴۴۵۲۹۵۳۷ آقای وحید حسینی تماس حاصل نمایند.

شخصیت مربی

در شماره ۳۰ نشریه، مطلبی تحت عنوان "مربی کیست" از نظر خوانندگان گذشت. در این شماره هم با نگاهی به نوشته های مرحوم د-اسدالهی تحت عنوان آئین مربیگری به بحث دیگری در ارتباط با شخصیت مربی اشاره می شود.

شخصیت مربی مربوط به صفات و حالاتی می شود که شاگرد آنها را می بیند و با توجه به جمیع آن حالات و حرکات و رفتارها و کردارها مربی خود را می شناسد. همه حرکات و رفتار مربی بر لوح ضمیر شاگرد نقش می بندد. روی این اصل است که گفته می شود یک مربی در برابر شاگرد خود در ارتباط با همه رفتارها و حرکات خودش مسؤول است. یعنی این که مربی همیشه با وسواس خاصی باید مراقب رفتار خودش در حضور شاگردانش باشد. در چنین مواقعی هر خطایی که از مربی سر بزند و مرتکب بشود برای شاگرد از اهمیت خاص برخوردار می شود و برای همیشه در پرونده ذهن آنها باقی می ماند.

آن مرحوم می نویسد: "مربی باید چنان مراقب رفتار و کردار خود باشد که به صورت مجسمه قداست و نیکی درآید. نه تنها در محضر که در خلوت نیز باید چنین باشد تا نیکی در جان او جا گرفته و با باور و یقین او پیوند خورد".

حکایت

کسی نزد ادیبی رفت که در خانه نشسته بود. ادیب مرتب، پاکیزه، قبا، لباس کامل و از روی آداب رسمی در جای خود قرار گرفته گویی در محضر بزرگی با شاگردی حضور یافته است. میهمان وارد شده که سر زده آمده چنین انتظاری نداشت. از ادیب پرسید آیا منتظر کسی بودید؟ ادیب می گوید: نه! می پرسد: پس چرا چنین مرتب و منظم نشسته اید؟ آیا مقام

محترمی به دیدار می آید؟ ادیب پاسخ می دهد: خودم کسی هستم و اینجا نشسته ام.

آن کسی که مربیگری می کند و خود را در تربیت و پرورش نسل آینده ورزش، مسؤول می داند باید بداند و با تمام وجود درک بکند که باید در حضور شاگردانش مرتب باشد و رفتاری نیک و پسندیده و قابل قبول

تحمل بکنند و چشم دیدن موفقیت یکدیگر را داشته باشند آفت بزرگی است که حرمت و قداست این قشر را می تواند زیر سؤال ببرد. مربی که به خاطر یک وعده غذا اصول را زیر پا می گذارد و زیر آب زنی را در دستور کار قرار می دهد، نمی تواند برای شاگردان خود آینده خوبی ترسیم بکند.

مربی باید همواره از یک آراستگی در ارتباط با پوشیدن لباس برخوردار باشد. در ارتباط با معنی و مفهوم آراستگی آن مرحوم می نویسد: "آراستگی به معنی این است که برابر

باشد. متأسفانه در فوتبال ما هستند مربیانی که زبانشان به بدگویی و ناسزا گفتن عادت کرده است و این کار را جزء افتخارات خود به شمار می آورند. این را باید دانست که بدگویی و ناسزا گفتن، مربی را بی حرمت می کند. مربی اگر بخواهد زیاد حرف بزند و امکان حرف زدن دیگران را فراهم نکند سخنش بی مقدار می شود.

مربی که نتواند عنان زبان خود را در اختیار داشته باشد و آن را با به کار بردن کلمات ناشایست به حرکت در نیآورد در کار خود نمی تواند سری در



میان سرها درآورد. می توان دهها مثال برای این ادعا پشت سر هم ردیف کرد. تجربه این را ثابت کرده است که مربی هتاک هیچوقت نمی تواند نقش خودش را به خوبی بازی بکند و در فردای شاگردانش تاثیر گذار باشد.

مرحوم د-اسدالهی به یک نکته مهم در این ارتباط اشاره می کند: "کار مربیگری از تمام کارهای جهان دشوار تر است. بهترین فرمولی که پیشنهاد می کنم این است:

مربی باید آدم باشد تا آدمی تربیت کند.

عرف و آشنایی مردم بیوشد و خود را به شکل عجیب و غریب در نیآورد و در عیت حال تمیز و مرتب باشد. کهنگی لباس عیب نیست ولی کثیفی و نامنظمی عیب است که شاگرد را به سوی لایبالی گری سوق می دهد.

یکی دیگر از عواملی که می تواند در شاگردان اثرگذار باشد حرف زدن مربیان است. مربی برای موفقیت در وظایف و رسالتی که بر عهده دارد باید به حرف خود مسلط باشد. یک مربی موفق و شش دانگ باید آن چیزی را که در نظر دارد آرام، شمرده، منظم و به طور خلاصه بیان بکند و برای هر حرف دلیل کافی در اختیار داشته

از او سر بزند.

اگر یک مربی نتواند و نخواهد احترام خودش را حفظ کند مسلماً از دیگران نباید انتظار حرمت و احترام داشته باشد. این مربیان هستند که باید به حرفه خود احترام بگذارند، مادام که چنین حرکتی از سوی آنها مشاهده نشود توقع از دیگر افسار برای احترام گذاشتن به آنها عملی بیهوده و نشدنی است.

یکی از مشکلاتی که جامعه مربیان استان را در برخی از رشته ها تهدید می کند همین عدم حفظ احترام این قشر توسط خود جامعه مربیان است. این که مربیان نتوانند یکدیگر را

برای مادرانی که رخ در نقاب خاک کشیده اند

مادرم سلام

امروز نیز چون روزهای گذشته به یاد تو افتادم، قلمک خاطراتم را شکستم و دیدم آنچه از تو پس انداز داشتم، چقدر کم شده است.

یاد نگاهت افتادم که چه صادق بود و ساده با آن صدای صمیمی، چه ماهرانه مهربانی را نقاشی می کردی بر روی بوم دلم!

عصرها که می شد دلم هوای تو را می کرد و برای دیدنت پر می کشیدم و با دیدن چهره مهربان و دوست داشتنی ات به زندگی و نفس کشیدن امیدوار می شدم و وقتی می خواستم ترکت بکنم دعاهايت آویزه گوشم می شد که بزرگ ترین، بالاترین و مهم ترین سرمایه زندگی ام بود. دعاهايي که امروز نیز ثمره آنها را در همه مراحل زندگی و نفس کشیدن هایم مشاهده کرده و احساس می کنم.

با هر دعای خیر تو دری از خیر و برکت، خوبی و نیکی، امید و امیدواری و عشق و صمیمیت به رویم گشوده می شد و با حرف های زیبا و قشنگ تو دل پر از غصه و دردم آرام می گرفت و نگاه های مهربانت مرهمی بر زخم های ناشی از بدقلی روز و روزگار می شد و برای شروعی دوباره تشویقم می کرد. هنگام دعا، چشمانت با اشک وضو می گرفتند. نماز که می خواندی، من نیاز را می فهمیدم، هر چه بینایی ات کم می شد، نگاهت عمیق تر می گشت و هر چه قامتت خم می شد، استواریت در برابر عاملین آن فزون تر می گشت. هر چقدر بر درد ناشی از پیری اضافه می شد با هزاران زحمت تحملش می کردی مبادا که از ناله های تو اطرافیان رنگ از رخسارشان بپرد.

مادرم، همچنان با یاد تو نفس می کشم و با خاطرات زندگی می کنم و سعی می کنم اجازه ندهم ذخیره قلمک خاطراتم کم و کم تر بشود.

هر چه قدت خمیده تر می شد سایه ات، ساری تر می گشت بر سر خانه! دلت با هر سنگ کلامی می شکست. اما به رویت نمی آوردی و برای راحتی و آسایش اطرافیان حتی در آن لحظاتی که دنیا برایت تیره و تار می گشت کوتاهی نمی کردی. مادرم آن عصای رنگ و رو رفته ات هنوز هم بر سر جایش قرار گرفته است. عصایی که وقتی می خواستی به چیزی و یا کسی اشاره بکنی با آن نشان می دادی و می خندیدی. خنده هایی که یک دنیا لذت و شور به ارمغان می آورد و دل اطرافیان را شاد و مسرور می کرد.

مادرم، عشق به تو عشقی بزرگ و ماندنی است و هر چند که رفته ای ولی باز همچنان بودن با تو را با تمام وجود احساس می کنم و به روانت درود می فرستم.

جای خالی مشاوره در ورزش اردبیل

در ورزش ما عده ای از مشورت کردن گریزان هستند. استفاده از نظر و رای دیگران و حداقل شنیدن آن را بر نمی تابند. خود را علامه دهر و همه فن حریف ورزش و دنیای آن می دانند. تا بخواهی چیزی را در ارتباط با موردی یادآوری بکنی حتی تحمل شنیدنش را ندارند و برای



تجربه هایی که موسسید کرده ها و استخوان خرد کرده های ورزش به دست آورده اند می توانند در بسیاری از موارد گره گشای مشکلات ورزش باشند. شنیدن حرف ها و ایده های آنها بار سنگینی بر دوش مسئولان و گردانندگان رشته های مختلف ورزشی نمی تواند باشد. باید قدر این نعمت ها را دانست و آنها را برای کمک به حال و روز ورزش به میدان فراخواند. همین که پیشنهادها و نظرات آنها شنیده بشود و در مواقع ضروری مورد مشورت قرار بگیرند خود می توانند در برطرف کردن موانع و تحرک بخشیدن به حرکت ورزش استان مؤثر واقع شود.

این که تو را از ادامه بحث منصرف بکنند می گویند می دانم، در جریان هستم، قبلاً تجربه کرده ام و

مشورت به معنی جمع کردن آراء و نظرات و استفاده از عقل و اندیشه دیگران و به کار بردن فهم و درایت آن ها آمده است. چه اشکالی دارد که انسان مفت و مجانی از نظرات دیگران آگاه شود، حرف های مختلف را بشنود، بهترین آن ها را برگزیند و در کارها و اقداماتش در جهت بهبود اوضاع از آنها استفاده نماید.

چرا باید از مشورت کردن فرار بکنیم و چرا باید خود را بی نیاز از رای و نظر دیگران بدانیم. مگر نه این که خداوند متعال در قرآن کریم به

کلاس درجه ۳ مربیگری هندبال

هیات هندبال شهرستان اردبیل در نظر دارد کلاس مربیگری و داوری درجه ۳ هندبال (آقایان و بانوان) را برگزار نماید. افراد علاقمند جهت ثبت نام روزهای زوج از ساعت ۱۸ الی ۱۹ به سالن حجاب واقع در شهرک آزادی آقایان یا شماره تلفن ۰۹۱۴۷۵۵۰۰۸۱ (جبری) و بانوان ۰۹۲۱۴۵۰۵۶۸۰ (خانم محمودزاده) تماس حاصل نمایند.

مدارک لازم:

کپی شناسنامه و کارت ملی و بیمه ورزشی ۹۶ بنام هیات هندبال اردبیل

آخرین مدرک تحصیلی (حداقل دیپلم) ریز نمرات برای دانشجویان تربیت بدنی و گواهی اشتغال به تحصیل

هزینه دوره ۱۵۰۰۰۰۰ ریال واریز به شماره حساب بانک ملی ۰۱۱۱۰۰۵۶۵۴۰۰۸ بنام هیات هندبال شهرستان اردبیل

زمان دوره متعاقباً اعلام خواهد شد

ورزش و خبرنگاران جوان

کار دونان حيله و بی شرمیست انسان های خوب و افراد متعهد و عاشق خدمت بی منت چراغ راه دیگران هستند و امید را در آنها زنده می کنند و انسان های پست فقط به فکر حيله گری و سود شخصی هستند و تلاشگران عرصه رسانه های ورزشی باید قلم و نوشته های خود را از حيله و تزویر افراد دو رو و هرهری مسلک مصون بدارند. شناخت گندم نماهای جو فروش در ورزش از

نظر بکنند و سخن بگویند. این که نوشته های خود را وحی منزل و عاری از هرگونه عیب و ایراد و نقد بدائیم نشان بارزی از پائین بودن آستانه نقدپذیری ما می تواند باشد.

جوانان فعال در عرصه رسانه های ورزشی همیشه نباید نیمه خالی لیوان را ببینند و چشم بر روی نقاط مثبت بسته و فقط دنبال منفی ها باشند. یک خبرنگار متعهد باید همه حقایق را ببیند و در

وصال او ز عمر جاودان به خداوندا مرا آن ده که آن به جوانا سر متاب از پند پیران که رای پیر از بخت جوان به

یکی از نعماتی که نصیب ورزش ما در سال های اخیر شده است روی آوردن عده ای از جوانان علاقه مند، به کار خبری ورزشی است. جوانانی که با بهره گرفتن از توان و قدرت نوشتن، آگاهی از علم روزنامه نگاری و آشنایی با رمز و فنون رشته های مختلف ورزشی می خواهند در خدمت ورزش باشند و برای سربلندی آن از هیچ کوششی دریغ نمایند.

حضور این جوانان شتاب خاص و قابل توجهی را در انعکاس اخبار، گزارش ها و فعالیت های ورزشی موجب شده و فصل جدیدی از انتقاد و پرداختن به مشکلات، نارسایی ها، کمبود ها، بی توجهی ها و کاستی ها را گشوده است. جوانان با انرژی و تلاشگری که در همه صحنه های ورزشی حضور پیدا کرده و جریانات حاکم بر آن را زیر ذره بین قرار داده و می کوشند با عملکرد خود برای ورزش یاری باشند دلسوز و تاثیر گذار و نه باری سنگین و سنگ انداز.

آنهایی که دوران سکوت خبری ورزش استان را دیده اند به خوبی و به زیبایی، قدر فعالیت این جوانان در عرصه های مختلف ورزشی را می دانند و آنها را برای بیان واقعیت های موجود در ورزش نعمت بزرگی به حساب می آورند. این جوانان نیز باید قدر خود را بدانند و قلم خود را با دستور احساسات درونی شان بر روی کاغذ به حرکت در نیاورند. احساسی برخورد کردن با انعکاس مطالب، انسان را از جاده راستی و درستی در بازگو کردن واقعیت ها و حقایق باز می دارد. نباید اجازه داد احساسات بر واقعیت ها غلبه پیدا بکند.

اگر من خبرنگار به خودم اجازه می دهم که از هر فعال عرصه ورزش انتقاد بکنم باید دیگران نیز بتوانند در ارتباط با نوشته ها و حرف های ما اظهار

ضروریات رهروان عرصه اطلاع رسانی می باشد. این قبیل افراد، آفات ورزش به حساب می آیند و می توانند سهمگین ترین و خطرناک ترین ضربات را به آن وارد نمایند.

و در نهایت بزرگ ترین، بالاترین، مهم ترین و قابل توجه ترین مسئله ای که می تواند درهای موفقیت و پیشرفت را به روی فعالان جوان رسانه در ورزش باز کند دوری جستن از غرور و خودخواهی است.

شاعر نامدار ایران مرحوم پروین اعتصامی چه زیبا گفته است:

انعکاس آنها به اندازه سرسوزنی از دایره امانتداری و راست گویی منحرف نشود. پیشه کردن این عادت که چون با فلانی رابطه خوبی ندارم پس همه کارهای او را تاریک ببینیم و تاریک بنویسیم. دور از عدل و انصاف بوده و خواهد بود.

فعالان جوان عرصه ورزش باید به خوبی خدمتگزاران واقعی را از منفعت طلبان و نان به نرخ روز خورها تشخیص بدهند. باید مردان مرد در ورزش را به خوبی بشناسیم چرا که کار مردان روشنی و گرمیست

قابل توجه

اولین نشریه الکترونیکی ورزش اردیبل با اخبار و تحلیل های ورزشی، شنبه ها با جامعه ورزشی استان همراه است
نشریه ورزش اردیبل در کنار خدمتگزاران صادق استان در راستای توسعه ورزش و اطلاع رسانی به مردم قهرمان و ورزشدوست استان می باشد.

با ما در تماس باشید

شماره تماس ۰۹۱۴۴۵۲۹۵۳۷



بشنو و باور مکن

دهند و خارج از عرف به اقداماتی دست می زنند . آیا به تبلیغات پوچ و بی اساسی که انجام می شود باید گوش کرد و همه آنها را به جان خرید؟

حکایتی دیگر

خسیسی به حمالی گفت صندوقی را که در آن کالای شیشه ای بود به بالاخانه برد و به جای مزد از او سه نصیحت بشنود. حمال پذیرفت. چون یک سوم راه طی شد، گفت: نصیحت اول را بگو! گفت: اگر کسی درآمد که نقد به از نسیه است، بشنو و باور مکن!

چون دو سوم راه طی شد، حمال گفت: نصیحت دوم را بگو!

گفت: اگر کسی درآمد که پول سیاه به از سکه سیم است، بشنو و باور مکن!

چون به آخر پلکان رسیدند، گفت: نصیحت سوم را بگو!

گفت: اگر کسی درآمد که نخود آب به از چلوکباب است، بشنو و باور مکن!

حمال ناگهان صندوق را از فراز پلکان به زیر افکند و گفت: اگر کسی درآمد که در این صندوق چیزی

سالم مانده است، بشنو و باور مکن!

حالا ما نیز باید به این ادعاها، شعارها، فخر فروشی ها و گنده گویی ها گوش کنیم ولی به هیچ کدام از آنها را باور نکنیم. این نهایت کاری است که در مقابل آن همه خود بزرگ بینی و وارونه جلوه دادن واقعیت ها و حقایق می توان انجام داد.

کسانی که می خواهند با چنگ توسل به دامن حرف های بی پایه و بی اساس افکار عمومی را تحت تاثیر قرار بدهند و با آمارهای غلط و دروغین به بزرگ کردن عملکرد خود بپردازند باید بدانند که دیگر زمان این قبیل ترفندها گذشته است.

حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد

زمانه را ورقی، دفتری و دیوانیست

نتوانستم خواسته یکی از عزیزانی را که رابطه حسنه و شیرینی با من داشته برآورده بکنم به مخالف سرسخت، خونی و تمام عیار من تبدیل شد و از هر فرصتی برای گل آلود کردن آب استفاده می کند.

او اعتقاد داشت که آن شخص چنان در انتقام گرفتن از وی مصمم بوده که عملکرد منفی دیگران را نیز با صحنه سازی و استفاده از احساسات برخی ها متوجه وی نموده و به نوعی او را مورد حمله ناجوانمردانه قرار می دهد.

یک حکایت

کدبانوی خانه آشپز را گفت: امروز آش آماده کن. آشپز مشغول شد. نزدیک ظهر کدبانو آمد تا نمک چشان کند، به کام اولش اندکی شور شده بود و به آشپز نهیب زد که آشپزی بلد نیستی . آش شور است، آشپز پیر که می دانست کدبانو برای ایراد گیری آمده نه نمک چشان گفت: اگر تو بهتر می زنی ، بستان بز.

کدبانو دست برد و یک مشت نمک بر گرفت و به دیگ آش ریخت . آشپز خندید و گفت: شور بود و شورش کردی.

حالا برخی ها برای این که بتوانند خود را بزرگ، کارکن، تاثیرگذار و احیانا قدرتمند نشان بدهند آش شور را شورتر می کنند. این قبیل رفتارها و حرکت ها زیننده ورزش و آنهایی که مدعی خدمت به ورزش هستند نبوده و نیست و برای گردانندگان صحنه ها، حاصلی نمی تواند داشته باشد.

بشنو و باور نکن

همچنان عده ای که فکر نکنم تعدادشان از انگشتان دست تجاوز کند بر این باور هستند که فوتبال ما در اوج است و سزاوار جایگاه های رفیع، بلند و افتخارآفرین. تا ضربه ای به در می خورد و بهانه ای برای تبلیغ پیش می آید امان داده نمی شود و آن ضربه را وسیله ای برای مطرح شدن ها قرار می

مردی بود کهن سال و شغلش غسالی و مرده شویی. کسی پرسیدش در این همه سال که در این شغل می کوشی چه چیز عجیبی دیده ای؟ گفت: نفس خویشتن را، زیرا هر روز دهها مرده را می شویم ولی باور نمی کنم که خودم نیز روزی خواهم مرد.

آنهایی که برای دو روز بیشتر ماندن در صحنه و یا تامین رضایت برخی از افرادی که ارتباط کاری دارند زمین و زمان را به هم می دوزند و نسبت های ناروا به برخی ها روا می دارند آیا نمی دانند که فردا در روز قیامت و در پیشگاه احدیت باید پاسخگوی اعمال خود باشند.

چرا ورزش استان ما نمی تواند در جایگاهی قرار بگیرد و نتایج مطلوب و شایسته ای کسب کند؟ چرا هر چقدر بیشتر گفته می شود کم تر اثر مطلوب در روند امور مشاهده می شود؟ چرا هر کسی در این وادی مسؤولیتی را می پذیرد و می خواهد گوشه ای از کارها را بچرخاند تا شروع نکرده حرف و حدیث ها در موردش آغاز می شود و دام ها برای زمین گیر کردنش گسترده می شود؟

آنهایی که می آیند تا در هیات های ورزشی تلاش صادقانه بکنند به نوعی ایثار کرده و از خود گذشتگی نشان می دهند. گفتیم تلاش صادقانه، حساب آنهایی که با یک برنامه از پیش تعیین شده و برای رسیدن به برخی از اهداف در ورزش سبز می شوند با خاک خورده ها و پیوند خورده های ورزش متفاوت هستند.

برخی ها در ورزش ما به جز ایراد گرفتن و به این و آن تاختن کار دیگری ندارند. عده ای هم که به دنبال منافع شخصی هستند تا به خواسته خود نمی رسند شمشیر را برای کسانی که مانع از دستیابی به هدف شده اند از رو می بندند و در قامت منتقد هر آنچه دوست دارند می گویند.

یکی از فعالین ورزش استان تعریف می کرد وقتی



کسب عنوان نائب قهرمانی مسابقات فوتسال کارکنان ادارات کل وزارت ورزش و جوانان توسط تیم اداره کل استان اردبیل را به مدیر کل تربیت بدنی استان، علاقه مندان و کارکنان خدوم ورزش استان، بازیکنان و کادر سرپرستی و سرمربی زحمتکش تیم آقای ودود اسحق زاده تبریک و تهنیت عرض می نمایم.

مدیر مسؤول و کارکنان نشریه ورزش اردبیل

درخشش گلبالیست های اردبیل



دلاوران تیم گلبال هیات اردبیل با درخشش در رقابت های لیگ برتر به نائب قهرمانی این رقابت ها دست پیدا کرد.

در رقابت های لیگ برتر باشگاههای گلبال کشور ۷ تیم هیات اردبیل، سایپا، کیهان بد و شهید هرنندی تهران نیرو گستر خراسان، هیات توپسرکان و بهزیستی اصفهان حضور داشتند.

دور برگشت این رقابت ها در اسفند ماه در تهران برگزار شد. گلبالیست های اردبیل که تیم قدرتمند و قدر این رقابت ها بودند علی رغم شایستگی در مکان دوم این رقابت ها قرار گرفتند. نتایجی که این جوانان جوپای نام به دست آوردند نشان شایستگی و لیاقت آنها می باشد. در دور برگشت رقابت ها این نتایج برای

نماینده اردبیل به دست آمد:

اردبیل ۹ نیرو گستر خراسان ۷

اردبیل ۱۱ سایپا تهران ۵

اردبیل ۵ کیهان بد تهران ۵

اردبیل ۸ شهید هرنندی تهران ۲

اردبیل ۷ بهزیستی اصفهان ۹

اردبیل ۱۳ هیات توپسرکان ۲

در پایان این رقابت ها تیم بهزیستی اصفهان با ۲۷ امتیاز به مقام قهرمانی رسید. هیات اردبیل با ۲۵ امتیاز در مکان دوم جدول رده بندی قرار گرفت و تیم شهید هرنندی تهران با ۲۲ امتیاز به مقام سوم رسید.

علاوه بر کسب نائب قهرمانی، تیم گلبال اردبیل افتخار دیگری را نیز در این رقابت ها به دست آورد. بهترین خط حمله لیگ برتر گلبال ایران با به ثمر رساندن ۱۰۳۴ گل از آن تیم

اردبیل شد.

تیم گلبال اردبیل توانایی هایی که دارد شایسته توجه بیشتر و حمایت همه جانبه می باشد. این افتخار اگر در رشته های دیگر نصیب ورزش اردبیل می شد به طرق مختلف در اطراف آن مانور داده و تبلیغیات زیادی صورت می گرفت و بهره برداری های مختلف از آن آغاز می شد. ولی بچه های لایق و توانا و بی ادعای گلبال اردبیل کاری کردند کارستان و به افتخاری قابل توجه دست یافتند. متأسفانه به این موفقیت کم تر پرداخته شد. در حالی که حق این جوانان و بازیکنان قدرتمند خیلی بیشتر و بیشتر از این حرف ها می باشد.

در تیم گلبال اردبیل بازیکنان شایسته

ای عضویت دارند. بازیکنانی چون حسن جعفری که سال ها به عنوان کاپیتان تیم ملی گلبال انجام وظیفه نموده و در مقطعی به عنوان بهترین بازیکن گلبال آسیا و اقیانوسیه انتخاب شده است. حمایت از این تیم و تشویق آنها یکی از ضروریات می باشد. افتخار به دست آمده توسط این جوانان در تاریخ ورزش اردبیل به یادگار ماندنی است و چه زیبا خواهد بود که اداره کل ورزش و جوانان، بهزیستی استان و استانداری به نحو شایسته این افتخار آفرینان را مورد تشویق قرار داده و به نحو مطلوب از آنها تجلیل به عمل آورند تا برای ادامه موفقیت ها در سال های آینده و توسعه این رشته ورزشی انگیزه های لازم را به دست آورند.

اکباتان باشگاهی فعال در رشته فوتبال

افتخار و ایجاد انگیزه بیشتر در بین نوجوانان و جوانان استان می باشد. وی نبود اسپانسر و حمایت کننده مالی را یکی از مشکلات عمده تیم های ورزشی اردبیل ذکر کرد و افزود: به دلیل وجود این مشکل در حال حاضر هزینه های جاری باشگاه بر عهده مدیر باشگاه، مسیحا راثی پور و رئیس باشگاه دکتر اسماعیل ارسع می باشد. ناگفته پیداست که این امر می تواند باشگاه را با مشکلات عمده ای

صعود به رقابت های کشوری، کسب عنوان دومی رقابت های لیگ بزرگسالان استان در سال ۹۵ و قرار گرفتن در سکوی سوم کشوری نوجوانان در سال ۹۴ از جمله افتخارات به دست آمده توسط این باشگاه در پنج سال گذشته بوده است. وی کمک به ورزش و پیشرفت فوتبال و شناسایی بازیکنان نخبه در رده های پایه و مساعدت برای فراهم آوردن زمینه های لازم برای شکوفایی

در این ارتباط فعالیت می کنند. در این شماره به سراغ زحمتکشان باشگاه اکباتان می رویم. یکی از بنیانگذاران این مجموعه که مسؤولیت مربیگری تیم های نونهالان را نیز بر عهده دارد حسین بخشنده است. بخشنده مدرک مربیگری C آسیا دارد و مربیگری تیم پدیده اردبیل در رده بزرگسالان، سرمربیگری نونهالان اکباتان به مدت سه سال متوالی و دو سال هم مربیگری تیم های نوجوانان

معرفی تیم های پایه و کسانی که در این مسیر گام گذاشته و متحمل زحمت می شوند را برای خود یک وظیفه تلقی می کنیم. آینده فوتبال اردبیل بستگی به پرورش و تربیت اصولی و درست نونهالان و نوجوانانی دارد که می خواهند در این رشته ورزشی فعالیت نمایند. در دو شماره قبل مطلبی در نشریه



مواجه نماید. برای تاثیر گذاری بیشتر کسانی که در رده های پایه فعالیت کرده و قصد خدمت در این راستا را دارند لازم است حمایت های کافی از سوی مسؤولان انجام پذیرد. وی در پایان تلاشگران این مجموعه را به شرح زیر معرفی کرد: حسین بخشنده: سرمربی جوانان و امید، قاسم محمدی: سرمربی نوجوانان، شهریار قانع: سرمربی نونهالان، مسیحا راثی پور: سرمربی بزرگسالان، علیرضا میرزازاده: سرپرست جوانان و بزرگسالان. حبیب میرزاپور سرپرست نوجوانان

استعدادهای فوتبال منطقه را از مهم ترین اهداف این مجموعه برشمرد. وی افزود: مجموعه اکباتان در حال حاضر فقط در رشته فوتبال فعال بوده و در همه رده های سنی در مسابقات استانی و کشوری حضور داشته و بیش از ۲۰۰ بازیکن جوان و جویای نام را تحت پوشش دارد. وی در ارتباط با برنامه های پیش بینی شده برای سال ۹۶ گفت: از مهم ترین برنامه های باشگاه حضور تیم فوتبال بزرگسالان در رقابت های دسته سه کشوری و حضوری فعال و مثمر ثمر در رده های پایه مسابقات استانی و کشوری و تلاش برای کسب

و جوانان اکباتان را در کارنامه خود دارد. وی در رابطه با چگونگی تشکیل مجموعه اکباتان و افتخارات به دست آمده گفت: باشگاه اکباتان در سال ۹۰ به همت مسیحا راثی پور، علیرضا میرزازاده به همراه اینجانب بنیان گذاشته شد و از آن تاریخ تاکنون توانسته است به افتخارات قابل توجهی دست پیدا بکند که قهرمانی نونهالان استان و صعود به رقابت های کشوری در سال های ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴، نایب قهرمانی جوانان استان در سال های ۹۳ و ۹۴ و ۹۵، قهرمانی در لیگ جوانان استان در سال ۹۴ و

تحت عنوان مربی کیست منتشر شد و در شماره جاری نیز مطلبی با تیتیر شخصیت مربی انتشار یافته است. کسانی که در تیم های پایه به عنوان مربی و معلم خدمت می کنند باید ویژگی های یک مربی کامل را دارا باشند و به هیچ وجه از صراط مستقیم و راهی که ضامن موفقیت و کامیابی است منحرف نشوند و به خاطر امور دنیوی، آخرت خود را در معرض فروش قرار ندهند. فوتبال اردبیل برای بازگست به روزهای اوج گذشته به پشتوانه سازی نیازمند است که بار اصلی این پشتوانه سازی بر روی دوش کسانی است که

جام عقاب، هوشنگ چمن آرا و روزهای خوش فوتبال اردبیل



زمستان که غزل خداحافظی را می خواند و بهار آمدن خود را با مدد گرفتن از نشانه های متعدد به همگان اعلام می کند دوستداران فوتبال اردبیل، دوستدارانی که عمری را پشت سر گذاشته و موها را سفید کرده اند برای مسابقاتی تحت عنوان جام عقاب دلتنگ می شوند.

چه عظمتی داشت جام عقاب و چه نقش تعیین کننده در فوتبال و حفظ آمادگی بازیکنان و تیم ها در دهه های ۵۰ و ۶۰ چه جامی بود، منظم، مرتب و سرشار از شور و عشق، فوتبال در زمین خاکی با شن های ریز و سنگریزه هایی که شاید امروزی ها جرئت راه رفتن در روی این گونه زمین ها را نداشته باشند چه حال و هوایی به ورزش و فضای فوتبال می بخشید.

علاقه مندان، روزها و شب ها را سپری می کردند و ایام را به امید آمدن بهار و آغاز رقابت های جام عقاب می گذراندند. از یک ماه مانده به تحویل سال پیش بینی ها، اظهار نظرها، یارگیری ها و رایزنی ها آغاز می شد. حرف فوتبالی اردبیلی ها در آن ایام و در آستانه سال نو به جز جام عقاب و تیم های حاضر در آن حرف دیگری نبود.

چه عشق و چه معرفتی، چه مردان و چه مردانگی و جوانمردی و چه انسان های پاک و بی آرایش و متواضع که با عشق فوتبال نفس می کشیدند و برای آن زندگی می کردند.

چه کسی می تواند جای خالی هوشنگ چمن آرا را در فوتبال اردبیل پر بکند. کدام مدعی ژنرالی و خان بودن در فوتبال منطقه می تواند به اندازه انگشت کوچک آن مرحوم به فوتبال خدمت کرده باشد. او مدیر ورزشی مادرزادی بود که می توانست به خوبی و در حد ایده آل یک دوره رقابت سنگین و نفس گیر را برگزار و با موفقیت به پایان برساند.

چهره هایی چون مرحوم هوشنگ چمن آرا در فوتبال اردبیل تکرار نشدنی هستند. مردان بی ادعایی که زحمت کشیدند، از آبرو و حیثیت خود هزینه کردند و منتی هم بر سر فوتبال اردبیل نگذاشتند و توقع آنچنانی هم نداشتند. اما امروز کسانی را می بینیم که با چند بازی برای فوتبال اردبیل چنان مدعی می شوند و منت بر سر ورزش و فوتبال می گذارند آن سرش ناپیدا و این جاست که

امیدواریم یاد و خاطره خدمتگزارانی چون هوشنگ چمن آرا همیشه در فوتبال اردبیل زنده نگاه داشته شود. بگذریم از این که عده ای محدود و انحصار طلب که فقط همه چیز را برای خود و اطرافیانشان می خواهند ممکن است از گرامیداشت خادمان راستین افسرده و دلگیر باشند و به طرق مختلف این صفت ناپسند و زشت خود را نشان بدهند ولی کار تجلیل و گرامی داشت آنها به هر بهانه ای باید در دستور کار قرار بگیرد.

جام عقاب و مدیریت آن در تاریخ فوتبال اردبیل استثنا است. این که نزدیک به یک هزار تماشاگر در زمین خاکی بدون حصار و تا کنار خط طولی و عرضی بایستند و تیم ها را تشویق بکنند ولی یک قطره خون از دماغ یک نفر سرازیر نشود و بداخلاقی مشاهده نگردد، برای امروزی ها غیر قابل باور می شود ولی مرحوم هوشنگ چمن آرا مدیری بود که به این کار اقدام می کرد و مسابقاتی در خور نام فوتبال آن روزهای اردبیل برگزار می نمود.

به هر حال در سال جدید و در ایام تعطیلات نوروزی اگر گذرتان به محل میدان عقاب افتاد و از آن مسیر عبور کردید به روح همه کسانی که در آن جام، فوتبال بازی کرده و زحمت کشیده و الآن در جمع ما نیستند صلواتی نثار کرده و فاتحه ای قرائت نمائید.



فرق بین خدمتگزار واقعی و مدعیان به ظاهر عاشق فوتبال و استان معین و عیار انسان ها مشخص می شود.

جام عقاب میدان مناسبی برای سنجش میزان آمادگی بازیکنان در شروع سال جدید و در آستانه آغاز رقابت های باشگاهی بود. مدیریت آن روزهای مرحوم چمن آرا و به پایان بردن مسابقاتی سنگین در زمین خاکی بدون حصار و مانع، باید الگویی برای کسانی باشند که فقط در روی کاغذ مدعی بوده و حرف را خوب می زنند و کاری به عمل کردن ندارند.

نگاهی کوتاه به کارنامه مربیان کشتی در سال ۹۵



در آنجا تمرین می کند نباید زحمات دیگران را به نام هیات کشتی استان ثبت کنیم و بنابر این از ثبت مدال های به دست آمده توسط بیابانگرد در آمار مدال های کسب شده توسط کشتی استان خودداری کرده ایم.

در بین مربیانی که در کشتی فرنگی زحمت می کشند شاگردان محمد محمد علیپور با ۱۰ مدال در صدر بوده و به دنبال وی، شاگردان حیدر فرخنده با ۴ مدال، طاهر مهدیلو با دو مدال و نادر مشروطی با یک مدال قرار می گیرند.

از نظر مرغوبیت مدال و کسب مقام اول انفرادی در کشتی آزاد برتری از



نیز توسط افشین میرزاپور شاگرد حیدر فرخنده کسب شده است.

در کشتی فرنگی در طول سال ۹۵ چهار مدال طلا به دست آمده است که سهم محمد محمد علیپور دو مدال می باشد. رضا محمد علیپور و عبدالله اربابی از شاگردان محمد علیپور در رقابت های بزرگسالان و عمومی گروه ب مدال طلا گرفته اند و دو مدال دیگر نیز توسط شاگرد نادر مشروطی (سالار مشروطی) و حیدر فرخنده (رضا طالبی) به ترتیب در رقابت های جام بین المللی کودک و رقابت های عمومی به دست آمده است.

امید آن داریم که با تلاش صادقانه مربیان زحمت کش کشتی در رشته های آزاد و فرنگی، سال آینده موفقیت های بیشتر کشتی استان را شاهد باشیم. قرار گرفتن در سکویهای قهرمانی تیمی و انفرادی دور از دسترس جوانان لایق و برومند این استان نبوده و نیست و سال ۹۶ می تواند برای کشتی استان سالی پر بار و سرشار از موفقیت باشد.



آن جابر پارسی است. وحید پاشایی و اکبر سبحانی شاگردان پارسی در رقابت های جوانان و بزرگسالان قهرمانی کشور گروه ب صاحب گردن آویز طلا شده اند و یک طلای دیگر

تصاحب کرده و هشتمین مدال این رشته نیز مربوط به رده پیشکسوتان می باشد.

کشتی فرنگی: عملکرد کشتی فرنگی از نظر کسب مدال و افتخار برای استان نسبت به کشتی آزاد چشمگیر و قابل توجه است. از رقابت های سال ۹۵ سهم کشتی فرنگی استان ۱۹ مدال رنگارنگ است که علاوه بر رقابت های قهرمانی کشور و رقابت های عمومی، کشتی گیران این رشته در رقابت های بین المللی از جمله رومانی و باکو نیز افتخار آفرینی کرده اند. اگر مدال های به دست آمده توسط افشین بیابانگرد نیز جزء فعالیت های کشتی استان محسوب شود این آمار افزایش پیدا می کند ولی چون اعتقاد داریم که بیابانگرد سال هاست در تهران زندگی کرده و

انتشار مطلبی تحت عنوان تبعیض در کشتی اردبیل واقعیت یا شعار در شماره قبل نشریه، مورد استقبال دوستداران، علاقه مندان و مردم کشتی دوست و کشتی بلد اردبیل قرار گرفت. در پایان آن مطلب وعده داده بودیم که عملکرد مربیان کشتی آزاد و فرنگی استان را از نظر موفقیت شاگردانشان در کسب عناوین قهرمانی در طول سال ۹۵ مورد بررسی قرار داده و از این بابت اطلاعاتی در اختیار خوانندگان نشریه قرار بدهیم.

با همکاری صمیمانه نجف زاده مسؤول روابط عمومی هیات کشتی استان این امر برای انتشار در شماره نوروزی امکان پذیر شد که امیدواریم مورد توجه دوستداران، منتقدان و علاقه مندان به کشتی قرار بگیرد.

کشتی آزاد: در طول سال ۹۵ کشتی آزاد استان در رقابت های کشوری ۸ مدال برای استان به ارمغان آورده است. این مدال ها را قهرمانان و آینده سازان این رشته در مسابقات خردسالان، نو جوانان، جوانان، بزرگسالان و پیشکسوتان به گردن آویخته اند.

از ۸ مدال کسب شده توسط کشتی آزاد در سال ۹۵ شاگردان ادریس طالبی دو مدال، جابر پارسی دو مدال، اعتماد خجسته، بهنام شهبازی و حیدر فرخنده هر کدام یک مدال را



رد صلاحیت مدیریتی صباغی از عجایب چند گانه هیات فوتبال استان

یکی از عجایب چند گانه هیات فوتبال استان اردبیل، عدم تأیید سابقه مدیریت هادی صباغی در سال ۹۵ بود.

وقتی صلاحیت مدیریتی کاندیداهای هیات فوتبال استان توسط هیات سه نفره مورد بررسی قرار گرفت در میان تعجب کسانی که روند تعیین صلاحیت ها را پیگیری می کردند قلم قرمز بر روی نام هادی صباغی کشیده شد و این در حالی بود که از سه عضو هیات، معاون ورزشی اداره کل ورزش و جوانان به نفع صباغی رای داده ولی دبیر هیات (با قانونی و غیر قانونی بودنش ما را کاری نیست) و عضو حقوقدان منتخب هیات به این امر رای منفی داده بودند.

در این ارتباط یک سؤال مطرح می شود: هادی صباغی چگونه و چرا در انتخابات قبلی تأیید صلاحیت شده و در مجمع انتخاباتی به عنوان کاندیدا حضور یافته بود و الان بعد از گذشت چهار سال پیشینه و سابقه مدیریتی وی مورد قبول قرار نمی گیرد؟

اگر هادی صباغی در پنج سال گذشته هیچ کار و اقدام مدیریتی نداشته باشد باید با توجه به سابقه قبلی که مورد تأیید کمیته سه نفره پنج سال قبل بوده جواز حضور در انتخابات را به دست بیاورد و هر تصمیمی جز تأیید این خدمتگزار ورزش می تواند پیام های مختلفی را در دل خود جای بدهد.

مگر تأیید صلاحیت مدیریتی، صلاحیت اخلاقی و کاری است که فراز و نشیب داشته باشد؟ اگر صباغی مدیریتش بر شرکت ها و هیات ها و... در پنج سال قبل مورد تأیید قرار گرفته الان چه اتفاقی افتاده است که این آقایان رای صادر شده در پنج سال گذشته را قبول نمی کنند؟ چه سیل و طوفان و حوادث غیر مترقبه ای رخ داده و سابقه مورد تأیید صباغی را با خود برده است؟ و آیا کسانی که در آن تاریخ صلاحیت مدیریتی صباغی را تأیید کرده اند آدم های بی اطلاع و بی سواد بودند؟ آنهایی که در آن زمان به هادی رای مثبت داده بودند باید بیابند و در پای درس این حضرات بنشینند و یاد بگیرند!!!!!!

رونق نظر سنجی ها

این روزها در فضای مجازی بازار نظر سنجی ها در مورد عملکرد هیات ها، عاملین سقوط تیم شهرداری، ناکارآمدی دست اندرکاران ورزش استان، بهترین بازیکن سال و ... بسیار پر رونق و گرم گرم است.

این که اکثر ترتیب دهندگان این نظر سنجی ها هدفی جز خدمت به ورزش و فراهم کردن زمینه تشویق و ترغیب ورزشکاران نداشته و ندارند جای شک و تردید نیست ولی مسلماً با توجه به محدودیت شرکت کنندگان و حضور افراد در فضای مجازی نمی توان به نتایج به دست آمده کاملاً دل بست و بر روی آنها مانور داد.

در ورزش و دنیای حرفه ای آن، آمارها و کسب عناوین و بالا رفتن از سکوی قهرمانی و انجام اقدامات لازم و گسترده برای گسترش و توسعه رشته های مختلف ورزشی و ... برای انتخاب برترین ها مورد استفاده قرار می گیرند و مسلماً بر پایه جامعه آماری محدود نمی توان به طور کامل قضاوت کرد و نتایج از آن را به کل جامعه تعمیم داد.

برخی از نظر سنجی ها هم که در ارتباط با افراد بخصوص صورت می گیرد ریشه در افکار و اهداف دیگری دارد. کانال هایی که گردانندگانش مشخص نبوده و به مخاطبین معرفی نمی شوند و به صورت یک مجموعه در اختیار عمل کرده و منتقدین و مخالفین مجموعه مورد حمایت خود را سزاوار هرگونه حمله و انتقام قرار می دهند نظر سنجی های جهت دار آنها که نتایجش از همان روز اول آغاز مشخص است نشان دهنده کارایی و یا ضعف یک مدیر و یک رئیس نمی تواند باشد.

آنجا که طبیب شد بد اندیش

افزوده شود به دردمندی

این مار همیشه می زند نیش

زنهار به زخم کس نخندی

تدبیر و آرامش حلقه های گمشده فوتبال اردبیل

رفت. اگر بر اساس قوانین و آئین نامه اقدام می شد انتخاب دبیر و خزانه دار باید با تصویب مجمع رنگ و لعاب قانونی به خود می گرفت.

اگر خرد جمعی در هیات فوتبال حکمرانی می کرد دادن وعده های پوچ و بی اساس و امیدوار کردن مردم و دوستداران فوتبال در هیات استان نمی توانست جایگاهی داشته باشد و اگر کار کشته ها و امتحان پس داده ها در هیات صاحب جایگاه و موقعیت می شدند خود محوری و حرف های بی پایه زدن با چراغ قوه هم اگر می گشتند یافت نمی شد.

هر چه بود گذشت و در این میان فوتبال اردبیل بزرگ ترین و فراموش نشدنی ترین ضربات را متحمل شد و بر جان خرید ولی امیدواریم اگر قرار است فوتبال رنگ آرامش به خود بگیرد تدبیر و خرد در آن در سال های آینده حرف اول و آخر را بزند.

چندانی مشاهده نمی شود.

ضعف در عملکرد و پیروی کردن از برخی روش ها موجب شده است تا هیات فوتبال استان آن اقتدار و مرتبت خود را از دست بدهد.

چرا در سال های اخیر همیشه در اطراف فوتبال استان، حاشیه سایه گسترده و در آن خود نمایی کرده است؟

باید گفت وقتی تدبیر و آرامش بر هر کار و باری حاکم نباشد ظهور حرف و حدیث نه تنها در فوتبال بلکه در هر رشته ورزشی اجتناب ناپذیر می نماید.

اگر تدبیر بود و خرد جمعی بر فوتبال حاکم می شد امکان نداشت که مجمع قانونی سالیانه هیات فوتبال در چند سال گذشته حتی برای یک بار تشکیل نشود. اگر آرامشی وجود داشت بودجه سالانه هیات و پیش بینی هزینه مورد تصویب مجمع قرار می گرفت و همه چیز در مجرای قانونی به پیش می

چه گویی که کام خرد توختم

همه هر چه بایست آموختم

یکی نغز بازی کند روزگار

که بنشاندت پیش آموزگار

جایگاه خرد و اندیشه و تدبیر در هر شئونی از شئونات زندگی آدمی، جایگاهی ممتاز و معتبر و والا است.

آیا در فوتبال ما در پنج سال گذشته تدبیر و برنامه ریزی ها و استفاده از خرد جمعی و مشورت با افراد کاردان و شناخته شده مورد توجه بوده است؟

در این که فوتبال و اداره آن در پنج سال گذشته با مشکلات و دست اندازیهایی روبرو بوده است هیچ شک و تردیدی نباید داشت. متأسفانه با وضعیتی که در حال حاضر بر سیستم مدیریتی و برگزاری مجمع انتخاباتی آن حاکم است برای رفع مشکلات و هموار کردن دست اندازها از سوی متولیان امر رغبت

تلاش برای انتقال امتیاز تیم شهرداری دروغ یا شوخی بی نمک

شهرداری اردبیل ۱۳۵۵



در روزهای پایانی سال ۹۵ حرف هایی در ارتباط با فوتبال و تیم شهرداری شنیده می شود که امیدواریم بی پایه و بی اساس باشند. زمزمه هایی به گوش می رسد که برخی از حضرات به تکاپو افتاده اند تا امتیاز تیم دسته سوم شهرداری را به یکی از شهرستان های استان منتقل نمایند.

گویا نزدیکان یکی از تیم هایی که در فصل گذشته از دسته سه به استانی سقوط کرده است با چراغ سبزی که یکی از آقایان به ظاهر دوستدار و طرفدار فوتبال استان داده است رایزنی را شروع کرده اند تا بتوانند با فراهم کردن زمینه های لازم شر تیم شهرداری را از فوتبال اردبیل کم بکنند و هدیه ای تقدیم یکی از شهرهای استان بکنند تا شاید در موقع برگزاری انتخابات رئیس هیات استان به درد آقایان بخورد و یک رای را از حالا در کیسه خود ببینند.

آقایانی که مدت ها با ندانم کاری ها و برخی اقدامات نسنجیده و جانبدارانه تیشه به ریشه فوتبال زده اند این بار گویا به طور کامل نابودی فوتبال شهر اردبیل را در برنامه های خود قرار داده اند.

این زمزمه ها را ما در حد یک شایعه قلمداد می کنیم ولی اگر روزی به این نتیجه برسیم که چنین تقاضاهایی مطرح شده و آقایان نیز چراغ سبز نشان داده اند تا ضمن رایزنی با مسؤولین باشگاه این کار را عملی نمایند، حرف های زیادی برای گفتن خواهیم داشت. حرف هایی رک و بی پرده و شناساندن چهره های به ظاهر دوست و در باطن دشمن فوتبال اردبیل.

این چند کلمه را نوشتیم تا اگر چنین فکری هم به ذهنشان خطور کرده باشد پرونده اش را برای همیشه ببندند و بدانند که اقدام برای انتقال تیمی که شناسنامه فوتبال اردبیل است کاری نشدنی است.

نام شهرداری در رگ و خون دوستداران فوتبال اردبیل است. آنهایی که شب خوابیده اند و صبح در فوتبال اردبیل صاحب جلال و جبروت شده اند از سرنوشت و سرگذشت فوتبال، تیم شهرداری و جایگاه آن خبر ندارند که می خواهند بر نامه بریزند و زمین و زمان را به هم بدوزند و امتیاز شهرداری را به دوستان و آشنایان تحویل بدهند.

شهرداری اگر در لیگ استانی هم باشد برای دوستدارانش

بتوانند با انتقال امتیاز تیم شهرداری به یکی از شهرستان های مورد علاقه خود اقدام نمایند.

تیم شهرداری در تاریخ فوتبال اردبیل جایگاهی بس رفیع و دست نیافتنی دارد. نام فوتبال و ورزش این دیار با نام شهرداری اردبیل عجین بوده و از آن جدا نشدنی است. وقتی این قبیل شایعات به گوش می رسد باید به حال و روز کسانی که فوتبال اردبیل و تیم شهرداری را به این روز انداختند تاسف خورد. چرا که آنها خواسته و ناخواسته به کاری دست زدند تا بعضی ها امروز این جرئت را پیدا بکنند تا فکر انتقال امتیاز تیم شهرداری از اردبیل را به مغزشان راه بدهند.

در آن روزهایی که آقایان شورا برای مصاحبه در مورد لزوم واگذاری شهرداری و جدا کردن این تیم از مجموعه سازمان فرهنگی ورزشی از یکدیگر سبقت می گرفتند دوستداران فوتبال و تیم شهرداری فریاد می زدند که این کار نمی تواند به نفع فوتبال، شهرداری و اعضای شورا باشد. تصمیمات اتخاذ شده توسط آنها در آینده تبعاتی برای آنها خواهد داشت که دیگر جبران گذشته امکان پذیر نخواهد شد.

آنهایی که فوتبال اردبیل را دوست دارند، افرادی که سربلندی و سرافرازی فوتبال اردبیل را می خواهند، کسانی که تیم شهرداری را دوست می دارند و به آن عشق می ورزند باید پیگیر وضعیت تیم باشند تا از بی تفاوتی موجود، خناسان و چند چهره ها نتوانند بهره برداری بکنند و نقشه جدیدی را برای فوتبال اردبیل پیاده نمایند.

عشق به یک تیم، وابسته به حضور آن در سطوح مختلف لیگ نبوده و نیست. تیم فوتبال شهرداری برای دوستدارانش همیشه قهرمان و همیشه در بالاترین رده هاست بنابراین آنهایی که بخواهند بر فوتبال اردبیل خیانت بکنند و در لباس دوست به آن ضربه بزنند با هوشیاری دوستداران تیم کاری از پیش نخواهند برد.

و در نهایت باید گفت که نباید این گونه شایعات، حرف ها و سخن ها را باور کرد. این حرف ها یک دروغ و یا یک شوخی خیلی بی نمکی است. همین وبس.

شهرداری است. عشق به تیم شهرداری از بین رفتنی نیست. پس این حرف و این نصیحت دوستانه و مشفقانه آویزه گوش آنهایی باشد که می خواهند به حذف همیشگی شهرداری از فوتبال اردبیل اقدام نمایند. آنهایی که می خواهند خوش خدمتی نمایند و خود را در بین دوستداران فوتبال یک شهر عزیز و گرمی بدانند باید بدانند با طرح چنین شایعه ای نفرت دوستداران فوتبال اردبیل از بنیان این تفکر به طور چشمگیری افزایش یافته است.

مسئولین شهرداری و سازمان فرهنگی ورزشی باید برای احیای دوباره تیم و دمیدن نفسی تازه به آن اقدام نمایند. با سقوط تیم شهرداری به لیگ دسته سوم مدت هاست که همه به دنبال مقصر می گردند و هر روز بحثی مطرح شده و از یک مقصر رونمایی می شود و بدینوسیله اصل قضیه یعنی چگونگی ادامه حیات تیم مورد توجه قرار نگرفته و از سکوتی که در این ارتباط حاکم است فرصت طلبان روباه صفت به فکر سوء استفاده و بهره برداری به نفع دوستان خود گرفته اند تا بلکه





پاس اردبیل نماینده استان آذربایجان شرقی در رقابت های فوتبال جام حذفی کشور در سال ۶۷

برخی از عزیزانی که توان تن دادن به واقعیت ها و موقعیت مناسب برخی از تیم ها در آن سال ها را ندارند در بیان بعضی از واقعیت ها از جمله پرداختن به تاریخ فوتبال تیم پاس حساسیت هایی از خود نشان می دهند که نشان از کوتاه فکری و بی منطقی آنها می باشد چرا که در حال حاضر نه تیمی به نام پاس وجود دارد و نه موردی به جزء حقیقت بیان می شود. این قبیل افراد که متأسفانه برای فوتبال اردبیل آفتی خطرناک و سمی مهلک و کشنده هستند باید بدانند که تن دادن به آنچه جز حقیقت چیز دیگری نیست لازم و ضروری است.

پاس در جام حذفی سال ۶۷
جام حذفی باشگاههای ایران (شاهد) در سال ۱۳۶۷ در ۱۵ آذرماه با انجام هفت دیدار آغاز شد. پاس به عنوان بقیه در صفحه ۱۵

این ادعا می باشد. تیم پاس با بهره بردن از بازیکنان نامی و توانای آن روزگاران در رقابت های مختلف حرف های زیادی برای گفتن داشت و به نوعی یکی از تیم های پرچم دار فوتبال اردبیل در سطح کشور به شمار می رفت. بارها گفته شده است که رقابت های باشگاهی دهه ۶۰ در اردبیل از حال و هوای خاصی برخوردار بوده است. تماشاگران عاشق، بازیکنان تکنیکی و کم توقع و مسؤولین و کادر زحمتکش از مهم ترین ویژگی های فوتبال باشگاهی در آن دوران بوده اند. رقابت شدید تیم ها برای قرار گرفتن در موقعیت مناسب در جدول رده بندی و حساسیت و علاقه مندی بالای تماشاگران به تیم های مختلف، سکوی تماشاگران ورزشگاه تختی را ویژگی های خاص می بخشید.

ای و رفتارهای شخصی را در ذکر سرنوشت فوتبال اردبیل دخالت بدهیم. در شماره نوروزی نشریه قصد آن داریم که به یکی از نتایج کسب شده توسط تیم فوتبال پاس اردبیل در جریان رقابت های جام حذفی باشگاه های کشور در سال ۱۳۶۷ بپردازیم. فعال ترین و پر قدرت ترین تیم های باشگاهی شهرستان اردبیل در دهه ۶۰ را به مرور معرفی کرده و عملکرد و افتخار آفرینی هر یک از آنها را در آینده بررسی می کنیم. همه دوستداران و علاقه مندان به فوتبال اردبیل به خوبی می دانند که تیم پاس یکی از تیم های مطرح شمال غرب کشور در دهه ۶۰ بوده است. نتایجی که این تیم در رقابت های مختلف آن سال ها به دست آورده است دلیلی محکم و قاطع بر

بیان گوشه ای از تاریخ پر افتخار فوتبال اردبیل در نشریه، با استقبال خوانندگان مواجه شده است. امید می رود تا آنجا که آرشیو ما و مساعدت برخی از عزیزان خوش سلیقه از جمله جعفر ظاهری و قادر دهقان اجازه بدهد در هر شماره صفحاتی را به این امر اختصاص بدهیم تا نسل امروز و کسانی که می خواهند با گذشته غرورآفرین فوتبال استان و اردبیل آشنا بشوند از آن بهره ببرند. وظیفه ما به عنوان نگارنده وقایع گذشته فوتبال اردبیل، حفظ امانت و بیان واقعیت هاست. ممکن است در بین اسامی که از آنها در متن نام برده می شود، باشد کسانی که به دلایل مختلف مورد تایید ما نباشند ولی ما بدون توجه به این مسائل، باید امانتدار خوبی برای ذکر تاریخ فوتبال اردبیل باشیم. اجازه نداریم که مسائل حاشیه

پاس اردبیل نماینده استان آذربایجان شرقی در رقابت های فوتبال جام حذفی کشور در سال ۶۷



نادر کهنمی، مقصود بایرامی، محمود بایرامی، ناصر اروجی، حیدر وطنخواه (از دقیقه ۸۷ سعید باباوند)، عادل پیرفرشی و محرم حقگو

مربی: داود حسنی فرد

اکباتان تهران: محمد محسن دوست، حسین عامری، مهدی حیدری، جمشید رشیدی، محمد اسکویی، حسین وکیلی، حمید جعفری (از دقیقه ۷۸ رحیم ولی زاده) حسین طاهر خانی منصور علی (از دقیقه ۸۳ افشین بیگ زاده) و هادی آهنگران مربی: مجید توتونچی ورزشگاه تختی اردبیل، جمعه ۲ دی ماه ۶۷:

تیم پاس اردبیل بعد از پشت سر گذاشتن همای بروجن در برابر اکباتان صف آرایی کرد. از دقایق نخست، پاس اشتباهی خود را برای پیروزی نشان داد و برتری این تیم در دقیقه ۱۸ به گل یار نوجوان، حیدر وطنخواه انجامید. بعد از این گل، اکباتانی ها برای جبران آن سعی دوچندان نمودند و سرانجام در دقیقه ۳۰ با اشتباه دفاع پاس، حسین طاهر خانی نتیجه را برای اکباتان به تساوی کشاند.

در نیمه دوم هنوز ۵ دقیقه از آغاز بازی نگذشته بود که روی پاس مقصود بایرامی با ضربه ای بسیار زیبا محرم حقگو توپ را به تور اکباتان دوخت. بعد از این گل، اکباتان با سه تعویض سعی در تلافی شکست داشت ولی دفاع هوشیار پاس آنان را در زدن گل ناکام گذاشت تا بازی ۲بر۱ به سود پاس اردبیل تمام شود و همه چیز به بازی برگشت کشیده شود.

دیدار برگشت این دو تیم داستان خاص خودش را دارد. در حالی که تیم پاس اردبیل به تهران رسیده

بقیه در صفحه ۱۶

دروازه بان پاس بی کارترین بازیکن میدان بود. در تیم پاس حقگو، وطنخواه و محمود بایرامی بهتر از دیگران ظاهر شدند.

با این پیروزی دلچسب پاس به دور دوم رقابت های جام حذفی صعود کرد و نشان داد شکست در بروجن یک حادثه ای بیش نبوده است.

حریف پاس در دور دوم جام حذفی تیم اکباتان تهران بود. اکباتان در دور اول رقابت ها با حذف تیم یکتای شیراز حریف تیم پاس معرفی شده بود.

دیدار رفت این دو تیم در دوم دی ماه سال ۶۷ در حضور بیش از سه هزار تماشاگر خونگرم اردبیلی در ورزشگاه تختی برگزار شد و در پایان بازی پاس اردبیل به یک پیروزی شیرین و دلچسب دست یافت.

پاس اردبیل ۲

گل ها: دقیقه ۱۸ حیدر وطنخواه و دقیقه ۷۰ محرم حقگو

اکباتان تهران ۱

گل دقیقه ۳۰ حسین طاهر خانی **داور:** رشید حسن زاده از تهران با کمک محمود آفریدون و عبدالخالق قبادی از آذربایجان غربی



اخطار: حسین وکیلی از اکباتان و مقصود بایرامی از اردبیل

پاس اردبیل: رحیم زرگین، فیض اله نیک نژاد، مرسل وقری، اصغر غفاری،

فیض اله نیک نژاد، نادر کهنمی، اصغر غفاری، مقصود بایرامی، محمود بایرامی، ناصر اروجی، حیدر وطنخواه (از دقیقه ۸۷ عادل نظارتی) عادل پیرفرشی و محرم حقگو مربی: داود حسنی فرد

ورزشگاه تختی اردبیل، سه شنبه ۲۲ آذر ماه ۶۷: پاس اردبیل در یک بازی برتر با ۳ گل، همای بروجن را مغلوب کرد تا ضمن جبران شکست دو بر صفر دور رفت، نماینده بروجن را از گردونه رقابت ها خارج و خود را در دور بعدی ببیند...

پاس در دقیقه ۱۰ روی پاس مقصود بایرامی و با ضربه محرم حقگو به گل رسید و در دقیقه ۳۴ وقری دومین گل این تیم را به ثبت رساند تا پاسی ها خوشحال به رختکن بروند.

در نیمه دوم باز این پاس بود که بازی را هجومی تر آغاز کرد و سرانجام در دقیقه ۶۷ حیدر وطنخواه ملی پوش نوجوان اردبیلی با ضربه ای دیدنی سومین گل پاس را در درون دروازه هما کاشت. هما در این روز نتوانست حضوری جدی در جلو دروازه پاس داشته باشد و می توان گفت که

بقیه از صفحه ۱۴

یکی از نمایندگان فوتبال استان آذربایجان شرقی برای اولین دیدار به شهر بروجن در استان اصفهان رفت.

به دلیل درگیری تیم منتخب اردبیل با مرحله نهایی دومین دوره رقابت های جام فلق، پاس در این دیدار تنی چند از یاران مطرح خود را در اختیار نداشت. پاس در برابر تیمی که برای فوتبال کشور شناخته شده نبود با دو گلی که در دقایق ۳۵ و ۵۸ به ثمر رسید، شکست خورد.

دیدار برگشت این دو تیم در ۲۲ آذر ماه ۶۷ و بعد از پایان رقابت های جام فلق در ورزشگاه تختی اردبیل و در حضور تماشاگران پرشور اردبیلی و هواداران سینه چاک برگزار شد.

پاس اردبیل ۳

گل ها: دقیقه ۱۰ محرم حقگو، دقیقه ۳۴ مرسل وقری و دقیقه ۶۷ حیدر وطنخواه

هما بروجن صفر

داور: علیرضا قویدست از گیلان با کمک مرتضی منصوری و عباس آزاد از ساوه

پاس: رحیم زرگین، مرسل وقری،

پاس اردبیل نماینده استان آذربایجان شرقی در رقابت های فوتبال جام حذفی کشور در سال ۶۷



بقیه از صفحه ۱۵

و خود را برای دیدار و پیروزی در مقابل حریف نامی آماده می کرد، اعلام نمودند که بازی رفت دو تیم سه بر صفر به نفع تیم اکباتان اعلام شده است. اعلام رسمی این رای از سوی فدراسیون که با توسل به یک قانون من درآوردی و تاسف برانگیز همراه بود، شوک بزرگی به اردوی تیم پاس وارد کرد و این تیم در ششم دی ماه با یک روحیه ضعیف در زمین شماره ۲ ورزشگاه شهید شیرودی روبروی اکباتان قرار گرفت.

چرا فدراسیون برد تیم پاس در مقابل اکباتان را به باخت سه بر صفر تبدیل کرد؟ اردبیلی ها چه خلاقی را مرتکب شده بودند که چنین ظالمانه با آنها برخورد شد؟

در همان ایام توسط نگارنده مطلبی تحت عنوان تقلب اردبیلی ها!!! در یکی از مجلات ورزشی کشور چاپ شد که عین آن به دلیل آگاهی خوانندگان از چگونگی عوض شدن پیروزی پاس با شکست در زیر از نظر علاقه مندان می گذرد.

تقلب اردبیلی ها!!!

کمیتة انضباطی فدراسیون فوتبال ایران، تیم پاس اردبیل را (که در دیار رفت با نتیجه دو بر یک اکباتان تهران را شکست داده بود) سه بر صفر بازنده اعلام کرد! طبق آئین نامه فدراسیون فوتبال، بازیکن نوجوان حق بازی در تیم بزرگسالان را ندارد!!! و چون پاس اردبیل از وجود چنین بازیکنی به نام حیدر وطنخواه استفاده کرده بود بازنده شد.

خبر بالا را خواندید و مشاهده کردید که یک تیم شهرستانی را به این راحتی بازنده می کنند. آئین نامه فدراسیون فوتبال می گوید که بازیکن

نوجوان حق بازی در تیم بزرگسال را ندارد، در حالی که خود مسؤولین همیشه گفته اند که باید به نوجوان ها و جوان ها بیشتر توجه شود. شما که اعتقاد دارید تیم ملی دست به جوانگرایی بزند و شما که می گوئید بازیکن ۲۷-۲۸ ساله به درد تیم ملی نمی خورد، پس چرا به این گفته های خود عمل نمی کنید؟ آیا این است گسترش فوتبال؟ آیا جلوگیری از حضور یک نوجوان شایسته در میدان و آن هم یک ملی پوش نوجوان، باعث رنجاندن او نیست؟ آیا یک نوجوان این حق را ندارد تا در تیم بزرگسال خودش بازی بکند؟ راستی

تیم بزرگسال، کارت صادر نکند ولی این کار را نکرد. از این گذشته همین بازیکن پیش از دیدار با اکباتان تهران در برابر همای بروجن بازی کرده بود و نیز نام او جزء بازیکنان منتخب اردبیل در جام فلق در فهرست فدراسیون به چشم می خورد! ضمن آن که خود اردبیلی ها ادعا می کنند چنین آئین نامه ای از فدراسیون فوتبال به دست ما نرسیده و اگر ارسال شده برای مرکز استان فرستاده شده و ما از این آئین نامه بدون اطلاع بودیم. یعنی اگر به دست مرکز استان رسیده ما را مطلع نکرده اند، در آخر

بقیه در صفحه ۱۷

چه کسی این قانون را گذاشته است؟ تازه آقایان نتیجه ۳ بر صفر را به اصطلاح برای باج دادن به اردبیلی ها همان ۳ گل به حساب آوردند، یعنی پاس در صورت پیروزی دو بر صفر بر اکباتان در بازی برگشت با حساب ۴ گل زده صعود می کرد! در خصوص این که پاس اردبیل چگونه از وجود حیدر وطنخواه استفاده کرد، بد نیست بدانید که: ابتدا برای این بازیکن از طرف فدراسیون فوتبال کارت قانونی صادر شده و با توجه به مدارک نامبرده که او نوجوان است، فدراسیون فوتبال می توانست برای بازی این نوجوان در

پاس اردبیل نماینده استان آذربایجان شرقی در رقابت های فوتبال جام حذفی کشور در سال ۶۷



بقیه از صفحه ۱۶

سالم حیدر وطنخواه را به فدراسیون فوتبال ارائه دادیم ، آقایان می خواستند برای او کارت صادر نکنند و یا نماینده فدراسیون فوتبال، قبل از همان بازی اول با همای بروجن ، جلوی بازی وی را می گرفت . تا کی ما شهرستانی ها باید چوب بی برنامهگی و بی عدالتی را متحمل شویم!

و یک یادآوری: در نهمین دوره جام ملت های آسیا در قطر فهد محمد الکواری از قطر تنها ۱۵ سال داشت!

پاس بازی کرد، اکباتان گل زد

اکباتان تهران ۴

گل ها : دقایق ۳۸ و ۶۷ هادی آهنگران، دقیقه ۱۶ حسین طاهر خانی و دقیقه ۲۱ حمید جعفری

پاس اردبیل ۱

گل: دقیقه ۶۸ محمود بایرامی
داور: حسین تهرانی با کمک حسن اکبر نژاد خسرو امامی هر سه از مشهد پاس: رحیم زرگین، اصغر غفاری (احد

اروجی) مرسل وقری، فیض اله نیک نژاد، نادر کهنمی، مقصود بایرامی، محمود بایرامی، ناصر عروجی ، حسین عباس زاده، محرم حقگو و عادل پیر فرشی (سعید باباوند)

مربی: داود حسنی فرد
زمین ورزشگاه شماره ۲ شهید شیرودی ، سه شنبه ۶ دی ماه ۶۷:

شب قبل از بازی برگشت پاس اردبیل و اکباتان تهران ، به اردبیلی ها اعلام کرده بودند که پیروزی ۲بر یک پاس به پیروزی ۳ بر صفر اکباتان تغییر کرده است، با رای فدراسیون فوتبال، اردبیلی ها ناراضی و با روحیه ای خرد شده به مصاف اکباتان آمده بودند . حضور ۵۰۰ نفر تماشاگر ، که اغلب آنها از اردبیل آمده بودند ، به تشویق تیم خود پرداختند و با اعتراض به رای صادر شده از فدراسیون فوتبال "شعار" دادند.

بازی با شروع خوب پاس در زمینی گل آلود آغاز شد و اینان وقتی در

همان دقایق نخست دو فرصت گل را از دست دادند ، این اکباتان بود که با سه یورش به ۳ گل رسید. ضعف مدافعان کناری پاس و فاصله زیاد خط دفاع با هافبک ها باعث شد تا پاس با ۳ گل اکباتان غافلگیر شود. گل های طاهرخانی ، جعفری و آهنگران شبیه هم و هر سه از یک جناح به دست آمد. دروازه بان پاس نیز در خوردن گل ها بی تقصیر نبود.

اکباتان با آن که به لطف تجربه یارانش نیمه اول را با دستی پر از میدان خارج شده بود ، اما این پاس بود که با تیمی جوان و یک دست فوتبالی شسته و رفته به نمایش گذاشت و هم پای حریف تهرانی جنگید. اگر پاس از آن همه توپی که تا پشت محوطه جریمه اکباتان پیش برد ، یک تمام کننده هم داشت ، شاید نتیجه غیر از این می شد. حضور خوب مقصود و محمود بایرامی و ناصر عروجی در خط میانی و مرسل وقری در خط دفاع بر قدرت و توان پاسی ها

بیش از پیش افزوده بود.

در نیمه دوم ، اردبیل برای تلافی گل های خورده، فوتبالی تک ضرب را پیاده کرد تا حاضران بیشتر آنها را باور کنند. شوت تماشایی محمود بایرامی در دقیقه ۶۸ یکی از گل های اکباتان را پاسخ گفت، اما بعد از این گل حملات پاس افت کرد و باز اکباتان به دنبال یک حمله توسط آهنگران صاحب چهارمین گل شد تا نشان دهد می تواند بهترین فرصت ها را تبدیل به گل کند. با این حال اردبیل بازی کرد ولی اکباتان گل ها را زد تا فاتح این دیدار باشد.

اکباتان با این پیروزی به دور بعدی رقابت ها صعود کرد. صعودی که زیاد دلچسب نبود و در جامعه فوتبال عکس العمل های متفاوتی را در ارتباط با حرکت تعجب برانگیز فدراسیون فوتبال به همراه داشت و پاس در عین برتری با این رقابت ها خداحافظی کرد.



ورزش اردبیل



نشریه الکترونیکی ورزش اردبیل

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
نادر پرستار

زیر نظر شورای نویسندگان
تلفن تماس: ۰۹۱۴۱۵۲۱۵۳۳
آدرس: شهرک سیلان فاز یک - هشتم جنوبی -
پلاک ۲۰۸

مرد نکو نام نمیرد هرگز

اندکی ماندو خواجه غره هنوز
آن تهی دست رفته در بازار
ترسنت پر نیآوری دستار
حرف سعدی به گوش جان بشنو
ره چنین است مرد باش و برو
در آستانه سال جدید با خود عهد و پیمان
ببندیم که خدمت به ورزش را بدون توجه به
مسائل حاشیه ای مورد توجه قرار بدهیم. این
تفکر را از جامعه ورزش دور بکنیم که اگر صاحب
پست و منصبی نباشم نباید به فکر ورزش باشم.
علاقه و عشق به ورزش را در داشتن منصب و
جاه و جلال و جبروت خلاصه نکنیم.



ناگفته پیداست که هر رشته ورزشی در استان
نیاز به یک رئیس و یک دبیر دارد. وقتی کسی
به این سمت منصوب می شود اگر رشته ورزشی
خود را دوست داریم و پیشرفت و توسعه آن
آرزوی ماست نباید دلسرد شویم و برای این که
بتوانیم نامی نیک در ورزش از خود به یادگار
بگذاریم از هیچ کوششی کوتاهی ننماییم.

یکی از آفات ورزش استان ما، تمایل و عشق به
ریاست در بین دوستداران آن است. در هر رشته
ای تعدادی برای رئیس شدن اعلام آمادگی
نموده و وارد گود می شوند تا شاید بتوانند با
رایزنی و جلب نظر افراد، آرای لازم برای قرار
گرفتن در پشت میز ریاست را از مجمع دریافت
بکنند. وقتی این کار میسر نشود اکثرا و در
بیشتر موارد به عنصر مخالف تبدیل شده و به
رشته مورد علاقه پشت می کنند.
به یکباره همه عشق ها، ارادت ها و علاقه ها
تبدیل به کینه، نفرت و تسویه حساب شخصی
می شود. آنهایی که دل در گرو پست ها، میزها،
صندلی ها و مقام ها دارند باید بدانند که برای این
نیامده ایم تا مدیر و رئیس شویم، بلکه برای آن
آمده ایم که جلب رضای خالق و مخلوق را در
سرلوحه کارهای خود قرار بدهیم. برای این آمده
ایم که به جامعه و مردم خدمت بی منت بکنیم و
از تلاش برای تامین رفاه و آسایش مردم لحظه
ای کوتاهی ننماییم. پست ها و ریاست ها برای
انسان ها ماندنی نبوده و نخواهد بود، آنچه می
ماند و جاودانه می شود نیک نامی است.

سعدی شیرازی چه خوب گفته است:

سعدیا مرد نیکو نام نمیرد هرگز

مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

و یا:

هر که آمد عمارتی نو ساخت

رفت و منزل به دیگری پرداخت

عمر برف است و آفتاب نمود

نشریه ورزش اردبیل در خدمت ورزش استان

خدا را شاکر و سپاسگزاریم که بر مابین توفیق را عطا فرمود
که چون سال های گذشته در سال ۹۵ نیز در خدمت
ورزش و دوستداران ورزش استان باشیم و در حد توان و
توانایی خود نسبت به انعکاس مسایل و مشکلات ورزش
استان اقدام بکنیم.

در سال ۹۵ برای این که بهتر بتوانیم در خدمت دوستان
باشیم امتیاز نشریه را به الکترونیکی تبدیل نمودیم تا علاقه
مندان در تهیه و مطالعه آن مشکلی نداشته و هزینه ای را
متقبل نشوند. نشریه هر هفته روزهای شنبه منتشر می
شود و تمامی صفحات آن به آسانی در سایت قابل
دسترسی می باشد.

البته این افتخار نیز نصیب ما شده است که اولین نشریه
الکترونیکی استان باشیم که نسبت به هواداران ورزش ارائه
خدمات می نماییم.

متأسفانه در سال ۹۵ تحلیل ها و گزارش های ما از واقعیت
های موجود در ورزش را کسانی به مخالفت با خود تعبیر
نموده و بنابراین با کمک دست نشاندهانشان در فضای
مجازی حملات ناجوانمردانه ای را متوجه ما کردند ولی
چون به کاری که انجام می دهیم اعتقاد داریم این
ناملایمات را به جان خریدیم ولی قدمی از مواضع خود
عقب نشینی نکردیم.

امیدواریم خداوند توفیق حضور در خدمت جامعه ورزشی
در سال ۹۶ را نیز نصیب ما بفرماید. مسلماً برای بیان
مشکلات و رسیدن به هدف که همانا اصلاح امور ورزش
استان می باشد همکاری صمیمانه همه خوانندگان نشریه
می تواند کمک بسیار زیادی در این زمینه انجام
بدهد. راهنمایی، انتقاد و ارائه طریق از طرف خوانندگان
نشریه مورد انتظار می باشد. یا حق

قابل توجه

اولین نشریه الکترونیکی ورزش اردبیل با اخبار و تحلیل های ورزشی، شنبه ها با جامعه ورزشی استان همراه است

نشریه ورزش اردبیل در کنار خدمتگزاران صادق استان در راستای توسعه ورزش و اطلاع رسانی به مردم قهرمان و ورزش دوست استان می باشد.

با ما در تماس باشید

شماره تماس

۰۹۱۴۴۵۲۹۵۳۷